

امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام رضا و ابناءالرضا(ع)

مرتضی تقوایی^۱

چکیده

با یک بررسی و تحقیق در میان مقالات با موضوعات هم محور با این مقاله می توان گفت که این بحث به صورت کلی و ذیل عنوان معصومین(ع) طرح شده، لکن اختصاص یافتن بحث به سیره امام رضا و ابناءالرضا(ع) جدید بوده و البته اشتراکاتی با آن مقالات دارد. با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر از آموزه‌ها و ارکان عملی شریعت اسلام است و معصومین(ع) مأمور به هدایت آحاد بشر براساس فرامین الهی و آیات حق هستند، به نمونه‌هایی از آیات اشاره شده و سفارش‌های ایشان که باید سرلوحه اعمال بندگان باشد، به اختصار آورده شده است. لذا به ضرورت و آثار اقامه امر به معروف و نهی از منکر آسیب‌های نادیده گرفتن آن و مراتب اجرایی آن پرداخته شده است. واژگان کلیدی: امام رضا(ع)، ابناءالرضا(ع)، امر به معروف و نهی از منکر، سیره.

۱. سطح ۳، تاریخ و سیره اهل بیت(ع)، مؤسسه امام رضا(ع).

مقدمه

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی نمی‌تواند خودش را فارغ از جامعه و احکام وضع شده و جاری در آن ببیند. نظام و سازمان خلقت درس بزرگی برای آحاد بشریت است تا بپذیرد که با پرتو قوانین الهی می‌تواند به موفقیت‌های چشم‌گیری نائل شود. از آنجا که همین انسان با قدرت انتخاب‌گری‌اش و به دنبال برخی هوس‌ها در موارد متعددی قدم در مسیر نادرست می‌گذارد، نیاز به راهنما و ناظر دارد تا مسیر درست را یادآور شده و از انحراف جلوگیری نماید. این ساز و کار در قالب برنامه‌ای مدوّن و حکیمانه در میان آموزه‌های دین اسلام ذیل عنوان امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و اولیای الهی با تمسک به فرامین و هدایت‌های وحیانی به اقامه آن می‌پردازند.

باور مسلمانان این است که آموزه‌های دین اسلام و ارزش‌های دینی عامل حیات و نجات بشریت است و طبیعتاً ویژگی آنچه که از سوی آفریدگار حکیم و بی‌همتا آمده چیزی برخلاف این نخواهد بود و نیست. یکی از این آموزه‌ها، اصل امر به معروف و نهی از منکر است. اصلی که در متون پایه و اساسی دین اسلام با همین واژگان و به شکل‌های مختلف به آن اشاره و سفارش شده است. در قرآن کریم چندین آیه به صورت مستقیم به اصل امر به معروف و نهی از منکر اشاره داشته و آیات متعدد دیگری هم دارای محتوای آن است. از باب نمونه به مواردی اشاره می‌شود.

آیه شریفه ۱۰۴ از سوره مبارکه آل عمران؛

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»

و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند، اینانند که نیکبخت خواهند بود.



آیه شریفه ۱۱۰ از سوره مبارکه آل عمران؛

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.»

شما مسلمانان بهترین امتی بودید که برای {اصلاح دنیا و آخرت} مردم پدیدار شدید، زیرا به کار نیک فرمان می‌دادید و از کار ناپسند باز می‌داشتید و دعوت خدا را باور داشتید پس اگر اهل کتاب نیز دعوت خدا را پذیرفته بودند، قطعاً برایشان بهتر بود، ولی تنها گروهی از آنان ایمان آوردند و بیشترشان از فرمان خدا خارج شدند.

سوره برائت(توبه) آیه شریفه ۷۱؛

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.»

مردان و زنان با ایمان بر یکدیگر ولایت دارند، از اینرو یکدیگر را به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناپسند نهی می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌کنند. اینانند که به زودی خداوند رحمت خود را شامل حالشان می‌کند و هیچ کس نمی‌تواند مانع آن شود، چراکه خدا مقتدری شکست‌ناپذیر و کارهایش همه از روی حکمت است.

یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که آنچه حضرات معصومین(ع) انجام می‌دهند در حقیقت همان جلوه عملی آیات الهی است و استنادات قرآنی در این نوشتار به‌عنوان فصل الخطاب و الگویی تمام عیار که سیره معصومین(ع) بر آن بنا شده است می‌باشد.

این نوشتار قصد دارد تا با توجه به سیره امام رضا و ابناء الرضا(ع) به سؤالات زیر که حول محور امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده پاسخ دهد.



مفهوم شناسی

معنای لغوی

در مقایس اللغه آمده:

معروف را بدین نام نهاده اند؛ زیرا جان آدمی نسبت به آن آرامش و سکونت دارد. به تعبیر دیگر، دل‌پذیر است. منکر بر خلاف معروف است. یعنی مورد پذیرش جان آدمی نیست و دل‌ها نسبت به آن حالت انکار و نفی دارند.^۱

در تاج‌العروس چنین آمده:

معروف ضد منکر است و منکر هر آن چیزی است مورد تقبیح شرع بوده و در مواردی حرام یا مکروه شمرده می‌شود.^۲

معنای اصطلاحی

برای پی بردن به معنای اصطلاحی معروف و منکر و تبعاً امر به معروف و نهی از منکر، لازم است به اصلی‌ترین منابع مراجعه نمود تا مراد از این عبارات کشف شود لذا بایستی به متخصصین ذی‌ربط رجوع کرد تا این واژه‌ها و آموزه‌های دینی را تبیین کنند. شیخ طوسی در تفسیر التبیان: معروف، کار پسندیده‌ای که دارای ویژگی مضاعفی است و در مواردی موصوف به واجب و در مواردی مستحب می‌باشد. امر به واجب، واجب بوده و امر به مستحب، مستحب می‌باشد. منکر، کار ناپسند بوده و نهی از آن بطور کلی واجب است.

۱۰۸

۱. احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغه، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. زبیدی واسطی، سید مرتضی حسینی، تاج‌العروس من جواهر القاموس، ج ۳، ص ۱۴۵.

محقق حلی در شرائع الاسلام: معروف، هر کار پسندیده‌ای که دارای ویژگی مضاعفی است و فاعل آن کار نسبت به آن آگاه است و منکر، هر کار ناپسندی است که فاعلش به قبح آن آگاه است.

علامه طباطبایی(ره) در المیزان آورده است:

«المعروف هو الذى يعرفه الناس بالذوق المكتسب من نوع الحياة الاجتماعية المتداولة بينهم» معروف و منکر عقلایی در هر جامعه برخاسته از حیات اجتماعی آنهاست یعنی چیزی است که از نظر مردم آن جامعه پذیرفته و مقبول است. ایشان افزوده است که از دیدگاه اسلام معروف اجتماعی آن است که با فطرت انسانی همسو باشد: «و حیث بنی الإسلام شریعته علی أساس الفطرة و الخلقه کان المعروف عنده هو الذى يعرفه الناس إذا سلکوا مسلک الفطرة و لم يتعدوا طور الخلقه». آن عملی معروف است که هم طبق هدایت عقل صورت گرفته باشد، و هم با حکم شرع و یا قانون جاری در جامعه مطابق باشد، و هم با فضائل اخلاقی منافی نباشد و هم سنت‌های ادبی آنرا خلاف ادب نداند.

در میان عبارات زیارت شریف آل یس که در توقیع امام زمان حضرت بقیةالله روحی لتراب مقدمه الفداء آمده است چنین نقل شده: «وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ». معروف آن چیزی است که شما به آن امر می‌کنید و منکر آن چیزی است که شما از آن نهی می‌کنید. با توجه به این عبارات می‌توان دایره وسیعی برای معروف و منکر تصور نمود و لذا امر به معروف و نهی از منکر هم از شمول گسترده‌ای برخوردار است. همچنین با توجه به روایت دیگری که در بردارنده حدیث قدسی است می‌توان نتیجه گرفت که مسأله امر به معروف و نهی از منکر از چنان جایگاه عظیمی برخوردار است که فرمودند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ». گویی قوام ارکان شریعت به سبب این اصل تضمین می‌شود. شمول این مفاهیم به حیطة خاصی از



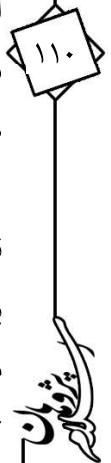
حیات بشری محدود نبوده و در همه شؤون زیستی، مفهوم معروف و منکر وجود دارد. بنابراین التفات و اقدام مناسب در تمامی این میادین، پسندیده و بی‌توجهی نسبت به آن ناپسند شمرده می‌شود.

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

آنچه که روشن است نیاز جامعه‌ی بشری به راهنمایی و نظارت برای رسیدن به اهداف ارزشمند است. عقل سلیم و دور از اشتباه به این نکته معترف است و انکار ندارد که نیل به اهداف عالی در آفرینش و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی در گرو رعایت اصول و قوانینی است که حکیم بی‌همتا و خالق یکتای هستی وضع نموده و اوصیای او فرماندهی و راهبری می‌کنند.

همانطور که در مقدمه ذکر شد براساس فرموده خداوند عزوجل در آیات قرآن کریم، بایستی اهتمام ویژه‌ای به اصل امر به معروف و نهی از منکر داشت تا بتوان نظارت مؤثری بر جامعه دینی داشت. خداوند متعال در آیه‌ی ۱۰۴ از سوره مبارکه آل عمران با تعبیر «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ...» جامعه ایمانی را موظف می‌کند تا تعدادی از آنان برای اقامه این اصل و رکن دینی برخیزند و انجام وظیفه کنند. همچنین عامل غفلت که بسیار شایع بوده و معمولاً برای جمع قابل توجهی از انسان‌ها رخ می‌دهد سبب می‌شود تا به مسأله امر به معروف و نهی از منکر عنایت ویژه‌ای باشد. خداوند عزوجل در آیه‌ی ۵۵ سوره مبارکه ذاریات فرموده است: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ.» و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد. یکی از اسباب تذکر، امر به معروف و نهی از منکر است. وقتی به آنچه نیک و پسندیده است امر می‌شود و از ناپسندها نهی می‌شود، اسباب توجه برای انسان حاصل می‌شود و امید پیروی و نجات و سعادت فرد می‌رود.

در روایتی از کتاب کافی به نقل از امام رضا(ع) چنین آمده:



امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام رضا و ابناء الرضا(ع)

«لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ»^۱

«تأکید می‌کنم که شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه بدترین‌های شما بر شما گماشته می‌شوند و در چنین شرایطی نیکان شما دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود. این بیان به روشنی گویای جایگاه و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر بوده و البته آسیب ترک آن را هم بیان نموده است.»

حضرت عبدالعظیم حسنی(ره) که به محضر امام هادی(ع) شرفیاب می‌شوند به بیان اعتقادات خود پرداخته تا از صحت و سقم آن در محضر امام(ع) آگاه گردد. از جمله مواردی که اشاره می‌کند این تعبیر است؛ معتقدم واجبات بعد از پذیرش ولایت اهل بیت رسول خدا(ص) نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند. امام هادی(ع) فرمودند: ای ابو القاسم! به خدا قسم، این همان دینی است که خداوند نسبت به بندگانش خواسته است. پس بر آن ثابت قدم باش. خداوند در دنیا و آخرت تو را بر سخن حق ثابت قدم بدارد.^۲ همانگونه که ملاحظه می‌فرمایید بعد از اقرار جناب عبدالعظیم(سلام الله

علیه) در محضر شریف امام هادی(ع) حضرت می‌فرماید:

هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِي إِزْتَصَاهُ لِعِبَادِهِ فَأَثْبُتْ عَلَيْهِ نَبْتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ. به خدا قسم این همان دینی است که خداوند برای بندگانش برگزیده است، پس بر آن استوار باش... بر این اساس، مأمور هستیم تا پای این ارکان ثابت قدم بمانیم و همّت ما اقامه آنها باشد.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۳، ص ۴۶.

۲. شریف قرشی، باقر، *تحلیلی از زندگانی امام هادی(ع)*، ترجمه: محمد رضا عطانی، ص ۲۸۰.

آثار اقامه امر به معروف و نهی از منکر

در آیه ۱۰۴ از سوره مبارکه آل عمران که در مقدمه ذکر شد، خداوند می فرماید: «... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.» یکی از آثار امر به معروف و نهی از منکر براساس فرموده خدا، رستگاری است.

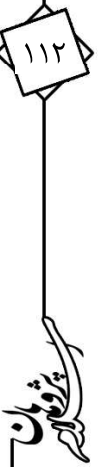
در آیه ۱۶۵ از سوره مبارکه اعراف آمده است: «فَلَمَّا تَسَوَّا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ.» اما هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم؛ و کسانی را که ستم کردند، بخاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. در این آیه به نجات کسانی که ناهی از منکر بودند اشاره فرموده است.

در روایتی از امام جواد(ع) چنین نقل شده: «مَنْ شَهِدَ أَمْرًا فَكَرِهَهُ كَانَ كَمَنْ غَابَ عَنْهُ وَمَنْ غَابَ عَنْ أَمْرٍ فَرَضِيَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ.»^۱ هر که در کاری حاضر باشد و آن را مکروه و ناپسند بدارد همچون غایب است و اگر غایب از آن باشد ولی بدان کار راضی و خشنود باشد، چون فردی است که در آن ماجرا حضور داشته است. دقت در این روایت، اولین مرتبه از مراتب امر به معروف و نهی از منکر و اثری از آثار آن را به مخاطب می فهماند که در بخش مربوطه به آن پرداخته می شود.

آسیب‌های نادیده گرفتن امر به معروف و نهی از منکر

امام رضا(ع) در روایتی از رسول خدا(ص) نقل می فرمایند که: «إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذُنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى.» آن گاه که امت من امر به معروف و نهی از منکر را وا گذاشتند (و به عهده یکدیگر نهادند) پس منتظر مصیبت شدید یا جنگی از جانب خدای تعالی باشند. همچنین در روایتی

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۰۵.



که سابقاً ذکر شد از امام رضا(ع) نقل شد که: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.» تأکید می‌کنم که شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، و گرنه بدترین‌های شما بر شما گماشته می‌شوند و در چنین شرایطی نیکان شما دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود.

عواقب بی‌تفاوتی نسبت به معروف و منکر به روشنی در این بیانات آمده است. نادیده گرفتن فرامین الهی، نوعی دهن‌کجی به مقام ربوبی پروردگار است و طبیعی است که به هنگام غفلت افراد از آنچه در اطراف آنان رخ می‌دهد، دشمنان قسم خورده از فرصت بهره‌برده و نیات سوء خود را عملی سازند. شیطان و ایادی شیطانی مترصد چنین فرصت‌هایی هستند تا مقاصد خود را دنبال کنند.

در روایتی از امام حسن عسکری(ع) چنین نقل شده: در روایتی از امام حسن عسکری(ع) آمده که رسول خدا(ص) فرمودند: خداوند به جبرئیل فرمان داد تا شهری را که کفار و اهل گناه را در برداشت در زمین فرو برد جبرئیل به خداوند عرض می‌کند عذاب را بر آنها نازل کنم مگر زاهدی که در بین آنهاست. خداوند می‌فرماید قبل از همه بر او نازل کن. جبرئیل عرض می‌کند چرا چنین کنم در حالی که او زاهد و عابد است؟ خداوند می‌فرماید به او قدرت و توانایی دادم ولی او در برابر گناهان، امر به معروف و نهی از منکر نکرد. به رسول خدا(ص) گفتند حال ما چگونه است وقتی با مشاهده منکری نمی‌توانیم از آن نهی کنیم؟ رسول خدا(ص) با تأکید فراوان فرمودند که امر به معروف و نهی از منکر کنید در غیر این صورت، عذاب خداوند شما را در برمی‌گیرد. سپس در ادامه مراتب نهی از منکر را تعلیم فرمودند که در ادامه خواهد آمد.

در روایتی که امام جواد(ع) از امام علی(ع) نقل می‌فرماید چنین آمده:

«مَنْ إِسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ.»^۱

«هر که کار زشتی را نیک بشمارد، در آن کار شریک است.»

در روایت دیگری هم که سابقاً برای منظور دیگری ذکر شد حضرت جوادلانمه (ع) فرموده‌اند:

هر که در کاری حاضر باشد و آن را مکروه و ناپسند بدارد، همچون فردی است که غایب از آن جلسه است و اگر غایب از آن باشد، ولی بدان کار راضی و خشنود باشد، چون فردی است که در آن ماجرا حضور داشته است.

این ظرافت‌ها در میان آموزه‌های دینی بسیار سازنده و پرتیتر است. وقتی مکنونات قلبی ما هم دارای اثر است نمی‌توان نسبت به افعال جوارح بی تفاوت بود که قطعاً آثاری را در پی دارد.

مبعوض خداوند واقع شدن از جمله آسیب‌های بی تفاوتی به این مقوله است. در روایتی از امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌شود:
در واقع خداوند عزوجل بر مؤمن ناتوانی که دین ندارد خشم می‌کند. عرض شد: مؤمنی که دین ندارد چگونه مؤمن است؟ فرمودند: کسی که نهی از منکر نکند.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امام یازدهم حضرت عسکری (ع) فرموده‌اند:

کسی که منکری را ببیند اگر می‌تواند با دست خود آن را انکار کند اگر نمی‌تواند پس بازبانش مانع شود اگر بازبان هم نمی‌توانست پس با قلبش انکار کند. پس همین که خداوند از کراهت قلبی او و انکارش باخبر است او را پس است.^۱

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را به زیبایی تبیین نمودند و جای ابهامی باقی نیست.

نخستین و کمترین مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر که با عنوان پذیرش و انکار قلبی از آن یاد می‌شود در این روایت آمده است.

یکی از نکات قابل توجه در این بخش، شیوه اجرایی امر به معروف و نهی از منکر است که بحث اختصاصی خود را می‌طلبد که در این نوشتار به آن پرداخته نمی‌شود. لکن اشاره‌ای خواهد شد تا به اجمال در ذهن جای گیرد. گاهی اوقات لازم نیست خطاب مستقیم آمرانه و ناهیا نه صورت پذیرد، بلکه عباراتی مانند کنایه نیز بسیار کارآمد و مؤثر است.

نمونه‌هایی از امر به معروف و نهی از منکر

یکی از غلامان میوه‌ای را ناقص خورد و به دور انداخت. حضرت فرمودند: سبحان الله! اگر شما از آن بی‌نیازید، کسانی هستند که به آن محتاجند. آن را به کسی بدهید که نیازمند آن است.

در جریان نماز عید که امام رضا(ع) با اصرار مأمون، عازم شد تا نماز را اقامه فرماید بدنبال مقدماتی که حضرت(ع) انجام دادند می‌فرمایند: «إفْعَلُوا مِثْلَ مَا فَعَلْتُ.» همانگونه که من انجام دادم عمل کنید. یعنی آدابی که برای نماز عید وارد شده را با نگاه به افعال امام(ع) یاد گرفته و انجام شود.

در روایتی نقل شده است که یکی از منافقان در مجلسی به حضرت امام رضا(ع) گفت:

بعضی از شیعیان شما خمر می‌نوشند؟ امام فرمودند: سپاس خداوند حکیم را که آنها در هر حالتی که باشند، هدایت شده و در اعتقادات صحیح خود ثابت و مستقیم هستند. سپس یکی دیگر از همان منافقان که در مجلس حضور داشت به امام(ع) گفت: بعضی از شیعیان شما نیبذ می‌نوشند؟ حضرت فرمودند: بعضی از اصحاب رسول خدا(ص) نیز چنین بودند. منافق گفت: منظورم از نیبذ، آب غسل نیست، بلکه منظورم شراب مست‌کننده است. ناگاه حضرت با شنیدن این سخن، عرق بر چهره مبارکشان ظاهر شد و فرمودند: خداوند کریم‌تر از آن است که در قلب بنده مؤمن، علاقه به خمر و محبت ما اهل بیت(ع) را کنار هم قرار



دهد و هرگز چنین نخواهد بود. سپس حضرت لحظه‌ای سکوت نمودند و پس فرمودند: اگر کسی چنین کند و بدان علاقه نداشته باشد و از کرده خویش پشیمان گردد، در روز قیامت مواجه خواهد شد با پروردگاری مهربان و دلسوز، با پیغمبری عطف و دل رحم، با امام و رهبری که کنار حوض کوثر است و دیگر بزرگانی که برای شفاعت و نجات او آمده‌اند. اما تو در عذاب دردناک و سوزان برهوت گرفتار خواهی بود.^۱

در عبارت فوق که مشخص گردیده، امر به معروف و نهی از منکر زیبا در قالبی حکیمانه صورت گرفته و این نمونه‌ای برای شیعیان است تا از الگوی ناب اسلامی بهره‌مند شوند.

در روایت دیگری آمده است:

زید بن موسی برادر امام رضا(ع) در مدینه خروج کرد و دست به کشتار و آتش زد. هنگامی که بر مأمون وارد شد، امام(ع) جوابش را ندادند. زید ناراحت شد و گفت:

من پسر پدرت هستم، جواب سلامم را نمی‌دهی؟ حضرت(ع) فرمودند: تو تا وقتی که در اطاعت خدا باشی، برادر منی. وقتی خدا را معصیت کنی، بین من و تو برادری نیست. در این مقام هم امام(ع) با ظرافت خاصی، مخاطبش را امر به معروف و نهی از منکر نموده است.^۲

محمد بن عاصم می‌گوید: از حضرت رضا(ع) شنیدم می‌فرمودند: ای محمد، شنیده‌ام با واقفیه همنشینی داری و در مجلس آنها شرکت می‌کنی؟ عرض

۱. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، ج ۲۷، ص ۳۱۴.

۲. شیخ صدوق(ره) در کتاب *عیون اخبار الرضا(ع)*، باب ۵۸ را با عنوان «باب قول الرضا(ع) لآخیه زید بن موسی حین افتخر علی من فی مجلسه و قوله(ع) فی من یشاء عشرة الشیعة من أهل بینه و یترک المراقبة» به موضوع برخورد های حضرت با زید اختصاص داده است. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا(ع)*، ج ۲، ص ۲۳۲.

امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام رضا و ابناء الرضا(ع)

کردم: آری، قربانت گردم! با آنها نشست و برخاست دارم، ولی مخالف ایشان هستم. آن حضرت فرمودند: همنشین آنها نباش. خداوند فرموده است:

«وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَعَدُّوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ»^۱

«و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده است که هرگاه می شنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می کنند، با آنها نشینید تا به سخن دیگری پردازند، وگرنه شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، همه منافقان و کافران را در دوزخ جمع می کند.»^۲

مقصود از آیات، امامان و اوصیایی هستند که واقفیه به آنها عقیده ندارند. در اینجا حضرت ضمن نهی از منکر به کلام خداوند استناد دارد.

۱. سوره مبارکه نساء: آیه ۱۴۰.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا(ع)*؛ ج ۲، ص ۲۷۹.

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه اختصاراً در این نوشتار گردآمده، بدست می‌آید که در سیره امام رضا و ابناءالرضا(ع) که حیطة اصلی بحث بوده، حضرات معصوم(ع) براساس رسالت قرآنی خویش به هدایت عموم جامعه اهتمام داشته و در قول و عمل راهنمای آنان بوده‌اند. لذا به ضرورت اصل امر به معروف و نهی از منکر و آثار ایجابی و سلبی آن اشاره داشته و مراتب آن را بیان فرموده و عملاً هم اجرا نموده‌اند.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *امالی صدوق*، ترجمه: کمره‌ای، تهران: نشر کتابچی، ۱۳۸۴.
۲. _____، *عیون اخبار الرضا(ع)*؛ ترجمه: کمره‌ای، تهران: نشر وفا، ۱۳۷۴.
۳. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبیره*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۴. احمد بن فارس، *معجم المقاییس اللغة*، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۵. آمدی، ابوالفتح، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: محمدعلی انصاری، قم: دارالکتاب، [بی تا].
۶. زبیدی واسطی، سید مرتضی حسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالبقاء، ۱۹۹۴م.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۸. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم: عصر ظهور، ۱۳۹۰.
۹. شریف قرشی، باقر، *تحلیلی از زندگانی امام هادی(ع)*، ترجمه: محمدرضا عطائی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.

۱۰. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الرسل و الملوك*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۳.
۱۱. طبرسی، ابومنصور، *الاحتجاج*، تحقیق: سید محمدباقر خراسان، نجف الاشرف: دارالنعمان، ۱۳۸۶ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، ج ۲، چ ۴ف، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۸.
۱۴. مفید، محمد بن نعمان، *الارشاد فی معرفته حجج الله علی العباد*، ترجمه: امیرخان بلوکی، قم: انتشارات تهذیب، ۱۳۸۸.

